

Analysis of the legal status of the unauthorized license contract with the emphasis on the system of patent law

Ali Saatchi*

Assistance Professor, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

(Received: June 28, 2021 ; Accepted: February 9, 2022)

Abstract

One of the fundamental questions related to the analysis of intellectual property contract law is the status of the unauthorized license agreement. If the licensor granting the exploitation right to the licensee is not the owner of the intellectual property rights, what is the legal status of this contract? To answer the question, there are three doctrines. Some of them recognize the non-nullity of the license agreement because, in case of an unauthorized contract, the nullity could maintain the owner's exclusive rights. Another group, according to the general rules of contracts, supports the invalidity of the contract. However, some doctrines recognize the validity of a contract. Their arguments are based on innovation and creativity in intellectual property, conflicting with the principles of patents, and protecting the owner who has the good faith with an emphasis on economic analysis. Thus, they conclude that the unauthorized license contract is concluded correctly. Therefore, the owner could not nullify the contract. The present article criticizes the situation of nullity and invalidity. It analyses and criticizes the invalidity and nullity and concludes that the situation of invalidity is more in line with the legal rules of the domestic system.

Keywords

Unauthorized Contract, Situation of Contract , Fundamentals of the Patent System, Document registration system, Economic Analysis.

* **Corresponding Author, Email:** alisaatchi@um.ac.ir

واکاوی وضعیت حقوقی قرارداد لیسانس فضولی مالکیت فکری با تأکید بر نظام اختراعات

علی ساعتچی*

استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰)

چکیده

یکی از سؤالات بنیادین در ارتباط با تحلیل حقوق قراردادی در عرصه حقوق مالکیت فکری، وضعیت قرارداد لیسانس فضولی است به این معنا در صورتی که لیسانس‌دهنده در زمان اعطای حق بهره‌برداری به لیسانس‌گیرنده مالک حقوق مالکیت فکری نباشد و یا اختیار انعقاد قرارداد را نداشته باشد، از حیث حقوقی، قرارداد یادشده چه وضعیتی دارد؟ در پاسخ به سؤال طرح‌شده میان دکترین مالکیت فکری سه دیدگاه قابل طرح است. برخی بطلان قرارداد را مناسب دانسته‌اند. زیرا در فرض فضولی بودن قرارداد، تنها چنین وضعیتی، حقوق انحصاری دارنده مالکیت فکری را حفظ می‌کند. در مقابل، گروه دیگر، مطابق قواعد عمومی حاکم بر قراردادها قائل به عدم نفوذ قرارداد لیسانس هستند. با این حال، برخی از دکترین داخلی، با این استدلال که اولاً به دلیل وجود تعارض با مبانی حقوق اختراعات و دوم تحلیل مبتنی بر نظام ثبت اسناد و نهایتاً حمایت از دارنده با حسن نیت و با تأکید بر تحلیل‌های اقتصادی، قائل به دیدگاه صحت هستند. نوشته حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و نقد دلایل بطلان و نظریه صحت به این نتیجه رسیده است که وضعیت عدم نفوذ در پاره‌ای از موارد مطابقت بیشتری با قواعد حقوقی حاکم بر لیسانس دارد.

کلیدواژگان

تحلیل اقتصادی، لیسانس فضولی، مبانی نظام اختراعات، نظام ثبت اسناد، وضعیت قرارداد.

مقدمه

از موضوعات چالش‌برانگیز در زمینه تحلیل حقوق قراردادی در نظام حقوق مالکیت فکری و به طور ویژه حقوق مالکیت صنعتی این موضوع است که اگر فردی اقدام به اعطای مجوز بهره‌برداری دارای فکری خود به دیگران را کند و در واقع فاقد سمت حقوقی لازم جهت انعقاد قرارداد باشد، وضعیت حقوقی چنین معامله فضولی چیست؟ مفهوم فضولی در حقوق قراردادها که در موارد متعددی چون فقدان سمت نمایندگی، تجاوز از حدود اختیارات، معامله به مال غیر، یا معامله برای غیر متجلی می‌شود (شیروی ۱۳۹۶: ۱۳۹) در عرصه حقوق مالکیت فکری و به طور ویژه قراردادهای لیسانس قابل مطالعه و بررسی است. مثلاً شخص لیسانس‌دهنده مالک اختراع نباشد و گواهی اختراع فرد دیگری را در قالب لیسانس به شخص دیگر بدهد یا اینکه لیسانس‌دهنده سابقاً حق استفاده از اختراع مورد نظر را به شخص دیگر داده باشد و سپس آن را مجدداً عرضه کند وضعیت چنین قراردادی به چه صورت خواهد بود؟ به عبارت دیگر، آیا قرارداد لیسانس فضولی، همچون قواعد عمومی قراردادها که در ماده ۲۴۷ قانون مدنی^۱ مورد اشاره قرار گرفته است، به صورت غیرنافذ منعقد می‌شود؟ یا آنکه حکم مسئله در این خصوص متفاوت است؟ در پاسخ به این پرسش، بیشتر نویسندگان داخلی هنگام سخن از این موضوع با عبارت کلی و بدون اشاره به این مهم (میرحسینی ۱۳۸۷: ۲۹۳؛ امامی ۱۳۹۰: ۳۰۹) تنها از باب قواعد عام مسئولیت مدنی موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند (محمودی ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ صالحی ذهابی ۱۳۸۸: ۲۹۵). با این حال، در بررسی به عمل آمده در میان نظریات مختلف دکترین مالکیت فکری به نظر می‌رسد سه دیدگاه قابل مطالعه است. با این توضیح که پاره‌ای از نویسندگان حقوقی قراردادهای مورد اشاره را باطل شمرده و عده‌ای دیگر نظریه عدم نفوذ را مطرح کرده‌اند و در نهایت برخی وضعیت صحت را برای این دسته از قراردادها پیشنهاد کرده‌اند. نوشته حاضر با روش توصیفی و تحلیلی ضمن تبیین نظریات بیان‌شده به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد.

۱. «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد. ولی اگر مالک یا قائم‌مقام او پس از وقوع معامله آن را اجاره نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود.»

دیدگاه بطلان

در گام نخست، تبیین دیدگاه بطلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود.

تبیین دلیل

برخی از نویسندگان با این استدلال که هدف مقنن از به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری حمایت از ابداع و خلاقیت بوده و اعطای حقوق انحصاری به مالک این دسته از حقوق در استفاده و یا منع دیگران در استفاده و فروش یا تولید این موضوع بوده که اشخاص خطر سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه را بپذیرند با این امید که سرمایه‌گذاری موصوف، در صورت به ثمر رسیدن و به واسطه حمایت قانونی، قابل برگشت خواهد بود. در نتیجه، این اقتضا وجود دارد که هر گونه اقدامی که با این انحصار در تضاد باشد فاقد اثر قانونی تلقی شود. بنابراین صحت قرارداد لیسانس فضولی به نوعی متضمن نفی حقوق انحصاری است و این نقض غرض قانون‌گذار در حمایت از ابداع و خلاقیت است (صابری ۱۳۸۷: ۸۵).

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد دلیل ارائه‌شده کاملاً متضاد با بستر و فضای حاکم بر قراردادهای حوزه مالکیت فکری و به طور ویژه قراردادهای لیسانس است. زیرا در قراردادهای لیسانس همواره این خطر وجود دارد که حتی اگر اختراع یادشده ثبت شده باشد امکان ابطال گواهی‌نامه وجود دارد. چون لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند مطمئن باشد لیسانس‌دهنده واقعاً مالک چنین حقوقی است یا در صورت یقین به مالک بودن وی نمی‌تواند مطمئن باشد که تنها همین شخص دارای این حقوق است و افراد دیگر در ایجاد آن نقشی ندارند (عباسی ۱۳۹۱: ۱۵۷)؛ علاوه بر آنکه لیسانس به طور کلی شامل ایده‌های جدید و تأییدنشده بوده و مشمول عناصر بزرگ‌تری از خطر نسبت به دیگر قراردادهاست. همچنین در حوزه اختراعات این موضوع جلوه بیشتری دارد. زیرا نظام حقوقی اختراعات نسبت به سایر حوزه‌های حقوقی نسبتاً از عدم اطمینان و ریسک بیشتری برخوردار است (Kief & Others 2009: 67). با این حال، می‌توان با راهکارهای قراردادی تا حدود زیادی با این مخاطرات مقابله کرد (ساعتچی ۱۳۹۹: ۲۵). با توجه به نکات فوق، وضعیت عدم نفوذ در قرارداد

لیسانس نه تنها منافاتی با مبنای شناسایی حق انحصاری برای مبتکرین و ترغیب آن‌ها به تحقیق و تولید دستاوردهای فکری ندارد، بلکه برخلاف تصور عنوان‌شده وضعیت بطلان^۱ قرارداد نادیده گرفتن حقوق انحصاری ليسانس‌دهنده است. چون تحمیل چنین موقعیتی علاوه بر هزینه‌های اضافی او را از حق قانونی پیگیری تجاوز به حقوق انحصاری محروم خواهد کرد (جعفرزاده و رهبری ۱۳۹۱: ۷۰).

دیدگاه عدم نفوذ

در این قسمت ابتدا دیدگاه عدم نفوذ در قرارداد ليسانس فضولی تبیین می‌شود و سپس به نقد و بررسی دلایل ارائه‌شده پرداخته خواهد شد.

تبیین دیدگاه

بر اساس نظریه ارائه‌شده، وضعیت حقوقی عدم نفوذ در قرارداد ليسانس فضولی مطابق قواعد عمومی قراردادها تابع احکام معاملات فضولی دانسته شده با این توضیح که ادله معاملات فضولی در صورتی که قاعده استثنایی و تنها مرتبط با معاملات خاص همچون بیع باشد در این حالت نمی‌توان آن را به سایر عقود تسری داد، اما در صورتی که همچون موضع قانون مدنی بر این نظر باشیم که معاملات فضولی و قواعد حاکم بر آن مربوط به بیع نباشد، می‌توان قائل به عدم نفوذ معامله به مال غیر در معاملات مربوط به اموال فکری بود به نحوی که اگر مالک تنفیذ نمود، قرارداد صحیح و در صورت رد حکم به بطلان آن داد (فرخی ۱۳۹۲: ۱۰۲). به عبارت دیگر، در نظام حقوقی ایران قرارداد حاضر تابع قواعد کلی قراردادهای فضولی است (جعفرزاده و همکاران ۱۳۹۱: ۷۰).^۲ در حقیقت، استدلالی که در جهت حقوق اختراعات ارائه شده اطلاق بند «الف» ماده ۱۵ قانون ثبت

۱. همچنین برای ملاحظه قائلین فقهی و حقوقی وضعیت بطلان قرارداد در فرض فضولی بودن در حقوق عام قراردادها ← قبولی درافشان و همکاران ۱۴۰۰: ۳۸.

۲. در حوزه حقوق ادبی و هنری نیز برخی از دکترین حقوقی (محسنی و قبولی درافشان ۱۳۹۲: ۲۵۹؛ آزادیگی ۱۳۹۱: ۹۱) بر این دیدگاه و نظر هستند اگر شخصی با ادعای پدیدآورنده بودن حق بهره‌برداری از اثری را به دیگری منتقل کند، قرارداد یادشده از نفوذ حقوق برخوردار نیست و در صورت عدم تنفیذ از سوی پدیدآورنده واقعی قرارداد باطل و پدیدآورنده ادعایی مسئول استرداد وجه دریافتی است.

اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری است که بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع را مشروط به موافقت صاحب اختراع می‌داند.

نقد و بررسی

همان‌گونه که مشهور دکتترین حقوقی در حوزه مالکیت فکری بیان کرده، ملکیت قلمداد کردن حق مالکیت فکری با مشکل مواجه نیست. بنابراین می‌توان موضوع مالکیت فکری را یک امر اعتباری دانست که رابطه آن با پدیدآورنده از سنخ مالکیت تلقی می‌شود (حکمت‌نیا ۱۳۸۷: ۱۷۳). بنابراین حق بر اثر فکری حق انتفاع و مالکیت منفعت نیست (خدمتگزار ۱۳۹۰: ۳۱۳). بدین ترتیب آثار فکری در زمره اعیان خارجی است و حق بر آثار فکری حق عینی محسوب می‌شود (صفایی ۱۳۸۵: ۲۲۷؛ خدمتگزار ۱۳۹۰: ۲۹۵)؛ همچنان که در حوزه حقوق اختراعات نیز گواهی‌نامه اختراع به دارنده آن حق عینی و یک حق مالکیت غیرمادی بر اختراع می‌دهد (صالحی ذهابی ۱۳۸۸: ۲۹۰). بنابراین، در مواردی که مورد معامله متعلق حق غیر است اصولاً از مصادیق معامله فضولی خواهد بود (بهرامی احمدی ۱۳۸۶: ۲۰۹). اما نکته‌ای که در این رابطه در تطبیق با قرارداد لیسانس حقوق مالکیت فکری لازم است اضافه شود این است که میان دو فرض قائل به تفکیک بود؛ نخست شخصی بدون داشتن هر گونه سمت دارایی فکری را به دیگری در قالب لیسانس واگذار می‌کند که در این وضعیت قرارداد لیسانس فضولی تلقی می‌شود و در فرض دوم دارایی فکری در قالب لیسانس به شخص یا افراد مختلف واگذار می‌شود و لیسانس‌گیرنده اقدام به لیسانس مجدد می‌کند. سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود آن است که وضعیت حقوقی لیسانس دوم به چگونه است؟^۱ در این حالت، مطابق تفسیر رسمی قانون متحدالشکل معاملات اطلاعات رایانه‌ای در ایالات متحده آمریکا لیسانس ممکن است اعطای حقوق یا صرفاً اجازه بهره‌برداری باشد

۱. باید توجه داشت در مواردی که شخصی صاحب لیسانس مالکیت فکری است و اقدام به لیسانس مجدد می‌کند برخی در حوزه حقوق علائم تجاری چنین قراردادهایی را با تعبیری غیرنافذ می‌دانند (شمس ۱۳۸۲: ۱۷۹). اما به نظر می‌رسد در این حالت نیز باید تفکیک یادشده را مورد لحاظ قرار داد. با این توضیح که در وضعیت لیسانس انحصاری، قاعداً امکان لیسانس مجدد ممکن است مگر آنکه صراحتاً چنین حقی از لیسانس‌گیرنده سلب شده باشد. اما در فرضی که لیسانس‌گیرنده تنها اجازه استفاده از دارایی‌های فکری را دارد، طبعاً لیسانس مجدد موجب فضولی شدن قرارداد خواهد شد.

(جعفرزاده و ساعتچی ۱۳۹۹: ۱۷۷)؛ به این معنا که در قرارداد لیسانس انحصاری گونه‌ای از اعطای حقوق وجود دارد و طبیعتاً اگر مالک اصلی دارایی فکری، با وجود چنین قراردادی، آن را به دیگری در قالب لیسانس واگذار کند قرارداد یادشده فضولی و غیرنافذ خواهد بود.^۱ اما در حالت دوم که اکثریت قراردادهای لیسانس این وضعیت را دارند و در فرض عدم تصریح صرفاً اجازه بهره‌برداری از دارایی فکری است (جعفرزاده و ساعتچی ۱۳۹۹: ۱۷۷) بنابراین انتقال دارایی فکری و یا لیسانس آن به اشخاص دیگر موجب فضولی شدن قرارداد و به تبع عدم نفوذ نخواهد شد. زیرا لیسانس‌گیرنده در این وضعیت تنها اجازه استفاده از دارایی فکری را دارد؛ بدون آنکه برای چنین فردی حقی وجود داشته باشد.

دیدگاه صحت

نظریه دیگری که از ناحیه برخی از نویسندگان داخلی و خارجی در خصوص وضعیت حقوقی لیسانس فضولی ارائه شده حاکی از صحت این دسته از قراردادهاست که می‌توان دلایل مطرح شده را به سه دسته تقسیم کرد. دلیل نخست به جهت مخالفت با مبانی حقوق اختراعات و دوم تحلیل مبتنی بر نظام ثبت اسناد و نهایتاً حمایت از دارنده با حسن‌نیت اقتضای آن را دارد که در فرض فضولی بودن قرارداد لیسانس نیز قائل به صحت قرارداد بود.

مخالفت با مبانی حقوق اختراعات

تبیین دلیل

یکی از ادله در خصوص ممکن نبودن عدم نفوذ قرارداد لیسانس که ممکن است منجر به بطلان

۱. اینکه اعطای حقوق در قرارداد لیسانس در قالب مالکیت منفعت و یا حق انتفاع باشد مورد اختلاف است؛ اما به نظر می‌رسد توصیف ماهیت این دسته قراردادهای لیسانس را حتی اگر حق انتفاع تلقی کنیم، از آنجا که در حق انتفاع با گونه‌ای از حق عینی مواجه هستیم (کاتوزیان ۱۳۸۶: ۲۲۹)، نادیده انگاشتن آن عدم نفوذ قرارداد را به دنبال خواهد داشت. البته باید توجه داشت برخی از حقوقدانان امکان اجاره اموال غیرمادی و از جمله دارایی‌های فکری را ممکن می‌دانند و انتقال این حق به دیگری را فضولی و قابل ابطال تلقی کرده‌اند (← کاتوزیان ۱۳۸۷: ۳۷۱). البته پرواضح است این مطلب کاملاً متفاوت با حالتی است که شخص در قالب لیسانس قراردادی را منعقد می‌کند؛ به عبارت بهتر امکان واگذاری حقوق مالکیت فکری در قالب عقود معین بحث مجزایی تلقی می‌شود (← خدمتگزار ۱۳۹۰: ۳۵۹).

قرارداد و همچنین استرداد عوضین شود آن است که اگر اثر ابطال گواهی‌نامه را در لیسانس به گذشته سرایت دهیم هدف حقوق اختراعات که همانا بهره‌وری آزاد از ایده‌های عمومی است عقیم خواهد شد. زیرا در این حالت لیسانس‌گیرنده که بیشترین انگیزه را برای گواهی‌نامه دارد درخواست ابطال را به تأخیر می‌اندازد. همچنین اثر قهقرایی ابطال گواهی‌نامه در این دو قرارداد از انگیزه نوآوران برای ثبت اختراع خواهد کاست که نتیجه آن محروم ماندن جامعه از ایده‌های نو خواهد بود (جعفرزاده و همکاران ۱۳۹۴: ۲۶۶). حتی برخی نویسندگان تعهد به استرداد عوضین را مخالف اهداف حقوق اختراعات می‌دانند و با برشمردن اغراضی چون انگیزه‌بخشی، تشویق به ثبت اختراع، حمایت از مخترعان، تجاری‌سازی اختراع، ثبات قراردادهای، و اعتماد در بازار آن‌ها را جزء دلایل عدم امکان بطلان قراردادهای حوزه اختراعات دانسته‌اند (میرشمسی ۱۳۹۸: ۵۵). به عبارت دیگر، در صورتی که لیسانس‌گیرنده بتواند پرداخت‌های پیش از اعلام بی‌اعتباری اختراع را مطالبه کند، موجب می‌شود مخترع به جای روی آوردن به پروانه اختراع اسرار تجاری را انتخاب کند (Dratler 2007: 2-58).

نقد و بررسی

جهت تحلیل دلیل ارائه‌شده ضروری است نخست به مطالعه مبانی حاکم بر نظام اختراعات پرداخته شود و سپس با توجه به بررسی مبانی یادشده دلیل مورد استناد بررسی شود.

مطالعه مبانی حاکم بر نظام اختراعات

مقصود از قواعد آمره مواردی است که تراضی طرفین برخلاف آن جایز نیست. به همین جهت قواعدی که در این زمینه تدوین یا حاکم بر قرارداد می‌شوند نباید برخلاف چنین قواعد آمرانه‌ای باشند. بنابراین برای دست یافتن به این مهم ضروری است مبنا و هدف نظام حقوق اختراعات مشخص شود تا در پرتو آن بتوان به تفسیر صحیح قواعد حقوقی لیسانس دست پیدا کرد. به همین منظور، دکترین حقوقی در تبیین مبانی حقوق اختراعات عموماً چهار مبنا را در رابطه با نظام اختراعات مطرح کرده‌اند که عبارت است از نظریه انگیزه اقتصادی، نظریه چشم‌انداز، نظریه افشای

اطلاعات، نظریه رقابت در گواهی اختراع؛ که در ادامه به مطالعه و بررسی این مبانی پرداخته می‌شود.^۱

نظریه انگیزه اقتصادی^۲

اولین و مهم‌ترین مبانی که در حوزه اختراعات از آن یاد می‌شود این است که حقوق انحصاری اعطاشده به مخترعان موجب انگیزه اقتصادی و تشویق مخترع برای اختراع است، به صورتی که اگر چنین موضوعی نباشد، هیچ اختراعی وجود نخواهد داشت. به این معنا که اگر همه افراد جامعه بتوانند به سادگی اختراع را تکثیر و توزیع کنند دیگر انگیزه‌ای برای مخترع اصلی جهت توسعه اختراع باقی نمی‌ماند و جامعه از منافع حاصل از آن محروم می‌شود. با وجود طرفداران زیادی که این نظریه دارد اما مصون از انتقاد باقی نمانده است. با این توضیح که مخترعان برای اختراع نیازمند انگیزه‌ای که نظام اختراعات ایجاد می‌کند نیستند و در بسیاری از موارد آنان بدون هیچ‌گونه چشمداشت مالی اقدام به اختراع می‌کنند. در عین حال، این موضوع تضعیف‌کننده هدف نظام گواهی اختراع نیست. چون نظام گواهی اختراع هدف گسترده‌تری از صرف ایجاد انگیزه و جاذبه برای اختراع دارد (Tokic 2017: 33).

نظریه چشم انداز^۳

دیدگاه فوق که در سال ۱۹۷۶ توسط برخی از دکترین حقوقی مطرح شده برخلاف دیدگاه سابق تنها به نفع عمومی جامعه در سرمایه‌گذاری و تجاری‌سازی اختراع توجه دارد. به این معنا که مبنای نظام اختراعات منافع تجاری جامعه در نظر گرفته می‌شود و نه آنکه منافع شخصی مخترعان مد نظر باشد (Kitch 1977: 78). در نقد نظریه چشم‌انداز برای صدور گواهی اختراع بیان شده مزایایی که برای عدم وجود گواهی اختراع متصور است سبب می‌شود حتی بدون وجود گواهی اختراع نیز سرمایه‌گذاری برای اختراعات وجود داشته باشد. از طرف دیگر، باید توجه داشت که گواهی اختراع

۱. البته باید اذعان کرد از گذشته تعیین مبانی و سیاست‌های نظام اختراعات با دشواری خود همراه بوده است.

'The patent system has gone astray' see: Hamilton 1948: 258.

2. economic incentives theory

3. prospect theory

از لحظه تقاضا تا هنگام صدور و انتشار زمانی طولانی سپری می‌کند و همین سبب می‌شود اختراع نتواند خود را با تحولات جدید تجاری‌سازی منطبق کند (Lemley 2000: 2101). اما، حتی با این فرض که گواهی اختراع باعث می‌شود برخی نقطه‌ضعف‌های موجود در بازارهای تجاری حل بشود، هزینه‌های این کار از منافع آن بیشتر است. همچنین به دلایل ساختاری اشخاصی که صاحبان گواهی‌های اختراع هستند عموماً از فناوری‌های جدید استقبال نمی‌کنند. زیرا مخترع می‌تواند با در اختیار داشتن گواهی موجود کالای حاصل از اختراع خود را به‌خوبی بفروشد. این موضوع به‌طور ویژه در شرکت‌های بزرگ که قادر نیستند خود را با تحولات بازار و فناوری‌های جدید تطبیق دهند مشاهده می‌شود. در این حالت، اگر شخصی ایده جدیدی برای توسعه اختراع قبلی داشته باشد ناچار است از صاحب گواهی اختراع اجازه بگیرد و در این حالت عموماً نمی‌تواند با صاحب گواهی اختراع لیسانس مورد نظر خود را منعقد کند (Eisenberg 1989: 1071).

نظریه افشای اطلاعات^۱

یکی از سستی‌ترین نظریات در خصوص اعطای حقوق انحصاری به مخترعان دیدگاه افشای اطلاعات است، به این صورت که با اعطای حقوق انحصاری به مخترع موجب می‌شود نه تنها اختراع جدیدی به جامعه عرضه شود بلکه سبب افشای اطلاعات و بالا رفتن سطح علمی جامعه می‌شود.^۲ در حقیقت، مخترع در ازای در اختیار قرار دادن اختراع خود حق انحصاری دریافت می‌کند. با این حال، اشکالی که بر نظریه ارائه‌شده وارد است این موضوع است نظریه یادشده نمی‌تواند پاسخ‌گوی نظام گواهی اختراع مدرن باشد. دلیل نخست آنکه مخترعان نمی‌توانند از اختراعات علم بیاموزند. در تأیید این نکته، دادگاه فدرال امریکا نیز تأکید می‌کند افشای اطلاعات مربوط به اختراع کمک چندانی به اشاعه دانش نمی‌کند (Devlin 2010: 403)؛ علاوه بر آنکه صدور گواهی اختراع هیچ ملازمه‌ای با پیشرفت دانش ندارد (Rice 2015: 726). اما ایراد دوم درباره

1. disclosure theory

۲. دیدگاه فوق صراحتاً در قانون اساسی امریکا توسط کنگره عنوان شده است.

Article 1, Section 8, Clause 8 of the U.S. Constitution grants Congress the power to “promote the Progress of Science and useful Arts, by securing for limited Times to Authors and Inventors the exclusive Right to their respective Writings and Discoveries

ساختار نظام گواهی اختراع مدرن است. اداره حق اختراع با حجم کاری بسیار زیادی مواجه است. چون امروزه مدت زمان طولانی لازم است تا گواهی اختراع به شکل رسمی منتشر شود و این باعث می‌شود مخترعان نتوانند با مطالعه گواهی‌های اختراع به دانش خود بیفزایند. چون به هر حال دو یا سه سال از زمان خود اختراع گذشته است. و در نهایت، سومین ایراد قابل طرح این است که هر ساله تعداد کثیری تقاضا جهت ثبت اختراع و صدور گواهی وجود دارد و مطالعه همه این موارد به این دلیل که آن‌ها به درستی طبقه‌بندی نمی‌شوند کار بسیار دشواری است. از طرف دیگر، وجود اختراع زیاد لزوماً تأثیر مثبتی بر فناوری ندارد. چون نمی‌توان بین آن‌ها به درستی ارتباط برقرار کرد. علاوه بر این، حقوقدانان در غالب موارد مهندسان را وامی‌دارند تا گواهی اختراع رقبای خود را مطالعه و از آن استفاده نکنند. چون ممکن است رقبا آن‌ها را به نقض حقوق خود متهم کنند. در نتیجه، می‌توان گفت جست‌وجو و پژوهش برای یافتن حوزه جدیدی از فناوری با خواندن گواهی‌های اختراع مسئله‌ای است که تردید فراوانی درباره آن وجود دارد و دانشمندان ترجیح می‌دهند تا با شرکت در کنفرانس‌ها و تبادل نظر با دیگر همکاران خود بر علم خود بیفزایند (Lichtman 2005: 2023).

نظریه رقابت در گواهی اختراع^۱

با توجه به نقدهای وارد شده بر دیدگاه‌های یاد شده این موارد نمی‌تواند پاسخ‌گوی واقعیات مربوط به حوزه اختراعات باشد (Oddi 1996: 275). بنابراین به طور کلی شخص پیشرو (یعنی کسی که اختراع خود را زودتر ثبت کرده و گواهی آن را گرفته است) نسبت به دیگران برتری دارد و اولین شخصی خواهد بود که سهم عمده بازار را در اختیار می‌گیرد و همه مزایای مربوط به اختراع را تصاحب خواهد کرد نه اولین شخصی که اختراع مورد نظر را انجام داده است. در نتیجه، توجیه نظری آن است که نظام اختراعات با اعطای حقوق انحصاری موجب می‌شود مخترعان با یکدیگر به رقابت بپردازند و برای دستیابی هر چه زودتر به منافع حقوق انحصاری به سوی اختراع روی بیاورند. بنابراین اعطای گواهی اختراع موجب انگیزه به اختراع نمی‌شود. زیرا به نخستین فردی که به این هدف نائل می‌آید منحصر نمی‌شود، بلکه مجموعه پیچیده‌ای از انگیزه‌ها را برای

مشارکت‌کنندگان ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، انگیزه کسب گواهی اختراع در میان مخترعان ایجاد می‌شود (Lemley 2012: 750). مثال‌های مختلف نشان‌دهنده این موضوع است که یک مسابقه کسب گواهی میان مخترعان وجود دارد. به این معنا که دلیل موجهی برای یک مسابقه میان طرفین مختلف است که از کار یک‌دیگر آگاه بوده و برای رسیدن به هدف قبل از شرکت‌کنندگان وارد رقابت شده‌اند. مثلاً، ادیسون از کار دیگران درباره لامپ آگاه بوده و این نشان می‌دهد که دانش او از کار دیگران نه فقط اختراع وی را شکل داد بلکه سبب شد تا وی کار خود را سریع‌تر پیش ببرد. همچنین برادران رایت می‌دانستند که برای پرواز در حال رقابت با دیگران بودند. همچنین مسابقه برای گواهی اختراع منافع مهم دیگری نیز دارد. نخست آنکه منفعت این مسابقه این است که مردم سریع‌تر از همیشه کار می‌کنند. در نتیجه، مسابقه گواهی اختراع سبب می‌شود تا اختراع زودتر به سرانجام برسد (Duffy 2004: 444). مسابقه‌دهندگان در این مسابقه ممکن است از امتیازات خصوصی خود استفاده کنند؛ درحالی‌که منافع جمعی زیادی از اختراعات زود هنگام و ورود سریع اختراع به جامعه حاصل می‌شود. بنابراین، طراحی نظام گواهی اختراع برای آن است که اختراع و پیشرفت علم با اجبار مخترعان به اختراع و تشویق به رقابت و ترغیب در سرمایه‌گذاری در اختراعات را ارتقا بخشد (Tokic 2017: 33). نکته‌ای که وجود دارد آن است که اصولاً نظریات ارائه‌شده در توجیه سیستم اختراعات صرفاً بر اختراع تکیه دارند؛ درحالی‌که نظریه رقابت بر دو جنبه اختراع و مخترع اشاره دارد (Munktel 2004: 24). در واقع، یکی از مزایای دیگر دیدگاه اخیر کامل و جامع بودن آن نسبت به سایر نظریات است. همچنان که با توجه به بند «ج» ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ هرگاه دو یا چند نفر مستقل از دیگری اختراع واحدی را کرده باشند شخصی که اظهارنامه اختراع خود را زودتر تسلیم کرده حق ثبت اختراع را خواهد داشت (میرحسینی ۱۳۹۶: ۸۰). بنابراین مبنای یادشده در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است.

ارزیابی دیدگاه مطرح‌شده در مسئله

همچنان که ملاحظه می‌شود، برخی با تلفیق مبانی نظام اختراعات به تحلیل موضوع و قواعد آمرانه حاکم بر قراردادهای لیسانس می‌پردازند؛ به این صورت که نظریه «انگیزه اقتصادی»، «چشم‌انداز»،

و حتی «افشای اطلاعات» را به صورت توأمان به عنوان هدف حوزه اختراعات معرفی می‌کنند و سپس در پرتو آن به بررسی آن می‌پردازند. مشابه تحلیل صورت گرفته را دادگاه تجدیدنظر فدرال در امریکا ارائه کرده است که بر مبنای آن سیاست بنیادین نظام اختراعات تشویق و افشای ایده‌های جدید است (Federal reporter, v89: 679).^۱ در طرف مقابل، ملاحظه شد رویکرد جدید دکتترین حقوقی در این جهت است که هدف نظام اختراعات اصولاً امکان رقابت میان مخترعان است. بنابراین به نظر می‌رسد پذیرش چنین مبنایی از نظام اختراعات موجب شود قائل شدن به اثر قهقرایی هیچ‌گونه لطمه‌ای به رقابت مخترعان در ثبت اختراع نمی‌زند. در نتیجه، پذیرش هر مبنا به طور گسترده تحلیل قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای لیسانس را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. همچنین آن‌گونه که عنوان شده، برای تحلیل صحیح مبنای موجود در نظام حقوق قراردادها باید بررسی کرد که حمایت از منافع طرفین یا یکی از آنان ملاک است یا حمایت از منافع اشخاصی که در قرارداد حضور ندارند و با عنوان اشخاص ثالث معرفی می‌شوند (Gomulkiewicz 2018: 19). در نتیجه، پذیرش هر یک از این مبنای می‌تواند در وجود قواعد آمرانه مؤثر باشد. مثلاً، اگر مبنای نخست به عنوان قانون حاکم مورد پذیرش قرار بگیرد طبیعی است در تحلیل قواعد آمرانه تنها باید به منافع طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها توجه کرد (Braucher 2006: 275)^۲ که البته این موضوع به هیچ عنوان مورد قبول نیست. همچنین توجه صرف به منافع اشخاص ثالث و جامعه بدون توجه به منافع طرفین قرارداد نیز صحیح به نظر نمی‌رسد. به همین جهت، دیدگاه صحیح آن است که در تحلیل مبنای نظام اختراعات و تأثیر آن بر تحلیل حقوق قراردادی آن باید به گونه‌ای باشد که بتوان به نوعی به تعادل میان حقوق مخترعان و جامعه دست یافت (Winston 2006: 95).^۳

1. The fundamental policy of the patent system is to "encourage the creation and disclosure of new, useful, and non-obvious advances in technology and design "by granting the inventor the reward of "the exclusive right to practice the invention for a period of year...».
2. States could create mandatory or default rules to protect reasonable customer expectations concerning use and transfer of software products. For example, if federal law does not provide any use rights to a customer who "licenses" software, state law might provide a minimum implied license because it would be contrary to reasonable expectations for a customer to pay for a product and not be able to use it.
3. However, a balance must be struck between protecting intellectual property owners' right to contract and protecting the public's interest in the promotion of the progress of science and the useful arts. Some licenses promote progress, while others retard it.

تحلیل مبتنی بر نظام حقوقی ثبت

یکی دیگر از دلایلی که در ارتباط با عدم امکان وضعیت عدم نفوذ در قراردادهای لیسانس مطرح شده تحلیل مبتنی بر نظام حقوقی ثبت است که در ادامه به تبیین این دلیل و همچنین نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

تبیین دلیل

برخی از نویسندگان با این استدلال که لیسانس گیرنده چگونه می‌تواند مخترع واقعی را بشناسد گفته‌اند با توجه به همین مشکلات بود که قانون‌گذاران ثبت اختراعات را الزامی کردند و به لیسانس گیرندگان نیز تکلیف ثبت معاملات را تحمیل نمودند تا هزینه‌های اقتصادی را کاهش دهند و نظم معاملاتی را برقرار سازند و اگر قرار باشد مخترع حقیقی بتواند ابطال قراردادهای لیسانس را بخواهد دلیلی برای ثبت اختراعات نمی‌توان یافت. در نتیجه مقنن ثبت اختراعات را الزامی کرده تا زمینه حفاظت از اختراعات را برای مخترعان فراهم آورد و همچنین امکان سرقت اختراعات را کاهش دهد و مضافاً بر آنکه برای لیسانس گیرندگان اماره‌ای ایجاد کند تا بتوانند بر اساس آن مخترعی را که دولت معرفی می‌کند بشناسند و با او قرارداد منعقد کنند. در حقیقت، وقتی قانون‌گذار از قراردادهای مربوط به اختراعات ثبت‌نشده حمایت نمی‌کند، بی‌تردید، باید از قراردادهای منعقد در خصوص اختراعات ثبت‌شده حمایت کند؛ والا این قانون بیهوده و عبث خواهد بود. بنابراین، به نظر می‌رسد برای یافتن حکم مربوط به قراردادهای مذکور؛ به قواعدی غیر از موارد موجود حقوق مدنی در ارتباط با معاملات فضولی مراجعه کرد. (عباس‌تبار فیروزجاه ۱۳۹۴: ۲۴۵). به همین جهت، برای حکم مسئله می‌توان به قواعد مندرج در قانون ثبت مراجعه کرد و طبق ماده ۲۲ قانون ثبت دولت تنها شخصی را مالک می‌شناسد که ملک به نام او ثبت شده و به موجب ماده ۲۴ و ۱۰۹ قانون یادشده^۱ مالک اصلی تنها می‌تواند جهت جبران خسارت‌های

۱. ماده ۲۴: «پس از انقضای مدت اعتراض دعوی اینکه در ضمن جریان ثبت ترضیع حقی از کسی شده پذیرفته نخواهد شد نه به عنوان عین نه به عنوان قیمت نه به هیچ عنوان دیگر، خواه حقوقی باشد خواه جزایی.» ماده ۱۰۹: «هر کس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می‌شود. اختلافات راجع به تصرف در حدود مشمول این ماده نیست.»

وارد به شخصی که مال را به نام خود ثبت کرده مراجعه کند. بنابراین، با وحدت ملاک از مواد فوق، در زمینه اختراعات نیز صاحب اصلی اختراع حق ابطال معاملات فضولی را ندارد و ناگزیر برای جبران خسارت‌های وارده به لیسانس‌دهنده رجوع می‌کند (عباس‌تبار فیروزجاه ۱۳۹۴: ۲۴۵).

نقد و ارزیابی

استدلال یادشده مبنی بر عدم امکان ابطال گواهی اختراع تنها ناظر به فرضی است که شخصی بدون داشتن هر گونه حقی نسبت به اختراع موجود اقدام به اخذ گواهی کند؛ شبیه موردی که اخذ سند مالکیت بدون داشتن هر گونه حقی از سوی شخص دیگر صورت پذیرد که بر اساس ماده ۲۴ ق.ث.ا. امکان ابطال چنین سندی با گذشت مدت اعتراض وجود نخواهد داشت. بنابراین، اصولاً پس از تشریفات ثبت ملک به نام شخص در اداره ثبت امکان ابطال چنین سندی وجود ندارد. با این حال، ناگفته پیداست که این موضوع تنها ناظر به فرض ثبت ملک در حالتی است که از ابتدا قرار است برای ملک یادشده سند اخذ شود. اما اگر این ملک به ایادی دیگر انتقال پیدا کند امکان ابطال چنین سندی میسر است. همچنین در وضعیت گفته‌شده استناد به ماده ۲۲ نیز صحیح نیست.^۱ بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود میان مادد ۲۲ و ۲۴ قانون یادشده تفاوت وجود دارد.^۲ به همین مناسبت، این استدلال ارائه‌شده از سوی برخی نویسندگان در نظام حقوق اختراعات و تعمیم

۱. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۱۶۵۳ مورخه ۱۳۴۰/۰۵/۱۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ماده ۲۲ قانون ثبت ناظر به ملکی است که مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسیده باشد و همچنین انتقالی که موافق قانون انجام یافته باشد و در موردی که دعوا قانونی نبودن فروش ملک است دعوا قابل استماع است. زیرا به بیعی که صحیحاً واقع نشده باشد آثاری از قبیل مالکیت خریدار نسبت به بیع و تعلق ثمن به فروشنده مترتب نیست.

۲. حکم شماره ۳۵۷۳ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ هیات عمومی دیوان نیز در این زمینه چنین است: استناد شعبه چهارم دادگاه استان نهم به مواد ۲۲ و ۲۴ قانون ثبت اسناد و املاک در موضوع مانحن فیه بی مورد است؛ زیرا مواد مزبور ناظر به موردی است که راجع به ملک، در حدود قانون مذکور درخواست ثبت شده و در مدت مقرر اعتراضی نشده باشد که در این صورت، پس از انقضای مدت اعتراض، اقامه دعوی به عنوان تضرع حقی پذیرفته نیست و در مورد بحث، فرجامخواه بدون داشتن مجوز و استحقاق ۲۸ و قیعه ۳۳ از ریگستان پلاک ۲۵ اصلی در ۶۳۴ فرعی را به غیر انتقال داده است. بنابراین، سند معامله شماره ۵۷۵۲ - ۱۳۳۵/۹/۱۹ باطل و اعلامیه سند مالکیت که به اتکاء مزبور صادر شده ملغی الاثر و دادنامه فرجام خواسته، به اتفاق آراء نقض و ختم امر به شعبه دیگر دادگاه استان نهم ارجاع می‌شود.

آن برای اخذ نظریه عمومی اخص از مدعی است. مضافاً بر آنکه سایر فروض شایع و مبتلابه را نیز در بر نمی‌گیرد. مثلاً، یکی از موارد شایع حالتی است که شخص خاطی با وجود منع از انتقال گواهی اقدام به انتقال آن به اشخاص دیگر کند یا صرفاً اجازه بهره‌برداری به او داده شده که در این وضعیت فقدان مالکیت نسبت به گواهی اختراع قاعداً باید در زیرمجموعه معاملات غیرنافذ قرار بگیرد.

وجود حسن نیت در قرارداد

از دلایل دیگری که در رابطه با عدم امکان وضعیت عدم نفوذ در معاملات لیسانس مطرح شده وجود حسن نیت در قرارداد است که در ادامه به تبیین این دلیل و نقد و ارزیابی آن پرداخته خواهد شد.

تبیین دلیل

یکی از دلایل اصلی طرفداران دیدگاه صحت قرارداد در فرض فضولی بودن معامله استناد به حسن نیت در قرارداد با استناد به تحلیل حقوق اقتصادی است که به عنوان کاربردی‌ترین رویکرد مورد شناسایی قرار گرفته است (امینی و بهادر ۱۳۹۶: ۱۷). بر همین مبنا نیز برخی از نویسندگان در حوزه اختراعات گفته‌اند اگر به مخترع واقعی اجازه ابطال قراردادهای داده شود، سهل‌انگاری مخترعان در حفاظت از اختراع افزایش می‌یابد و همچنین هزینه‌های اقتصادی ناشی از این قاعده بالاست. بنابراین سهل‌انگاری مخترع امکان سرقت اختراعات را افزایش می‌دهد و موجب افزایش دعاوی خواهد شد. این در حالی است که اگر مخترع نتواند ابطال قراردادهای مبتنی بر حسن نیت را بخواهد، مجبور خواهد بود ضریب حفاظت از اختراع را افزایش دهد و این امر خود موجب کاهش سرقت خواهد شد. به علاوه، هزینه‌هایی که مخترع برای حفاظت از اختراع میکند به‌یقین پایین‌تر از هزینه‌هایی خواهد بود که لیسانس‌گیرنده باید انجام دهد. افزون بر اینکه نمی‌توان از لیسانس‌گیرنده دقت چندانی انتظار داشت (عباس‌تبار فیروزجاه ۱۳۹۴: ۲۵۸).

نقد و ارزیابی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأکید دلیل فوق بر این نکته استوار است که از حیث اقتصادی مراقبت و محافظت از اطلاعات باعث می‌شود مخترعان از اختراع خود بیشتر حمایت کنند؛ درحالی‌که این

نظر از این جهت قابل نقد است که بحث حفاظت از اطلاعات و عدم سرقت آن در نظام حقوق اسرار تجاری مطرح است. چون در نظام اختراعات، در صورتی که به هر دلیل لیسانس دهنده از دانش و اطلاعات مورد نظر بدون آنکه مجوزی در این خصوص داشته باشد استفاده کند می‌توان علیه او دعوی نقض مطرح کرد (Nimmer 2011: 62). بنابراین مراقبت یا عدم مراقبت از دانش فنی در نظام اختراعات قابلیت طرح را همچون نظام اسرار تجاری ندارد. مضافاً بر آنکه برخلاف ادعای مطرح‌شده، که صحت قرارداد لیسانس هم‌سو با تحلیل‌های اقتصادی است، چنین نگرشی خود موجب افزایش هزینه‌های اقتصادی خواهد شد. زیرا تحمیل چنین موقعیتی به لیسانس دهنده باعث خواهد شد که جهت دست‌یابی مجدد به چنین موقعیتی اقدام به انعقاد قراردادهای جدید کند؛ درحالی‌که در فرض عدم نفوذ لیسانس دهنده می‌تواند با دریافت عوض مناسب قرارداد را تنفیذ یا با رد آن و بطلان قرارداد آثار قانونی تجاوز به حقوق انحصاری خود را پیگیری کند (جعفرزاده و رهبری ۱۳۹۱: ۷۰). علاوه بر این، موضوع این دسته از قراردادها از جنس فکر و ایده است. البته باید توجه داشت که تفاوت میان اموال فیزیکی و اموال اطلاعات محور تفاوت در نوع نیست تا در نتیجه در طبقه اموال قرار نگیرد؛ بلکه تفاوت در درجه است و موجب می‌شود این اموال اقتضائات خاص خود را داشته باشند (Singleton 2005: 45).^۱ به عبارت دیگر حتی اگر قائل به این نظر باشیم که در نظام حقوقی کالا محور حسن‌نیت می‌تواند عاملی در جهت صحت قراردادهای منعقد باشد، با توجه به نکته اخیر، باید میان گواهی اختراع و کالای مادی قائل به تفکیک شد با این توضیح که در قرارداد واگذاری گواهی اختراع و در فرضی که شخص انتقال‌دهنده مالک گواهی نباشد اگر اختراع مورد نظر به شخص ثالث انتقال پیدا کند، مالک اصلی اختراع می‌تواند قرارداد یادشده را در هر حال ابطال کند. به این معنا که مالک گواهی می‌تواند قرارداد را از میان بردارد. اما از سوی مقابل، همان‌طور که بیان شد، در حوزه قراردادهای کالامحور، اگر فرد منتقل‌الیه حسن‌نیت داشته باشد قرارداد یادشده قابل ابطال نیست و شخص ثالث با حسن‌نیت مالک آن کالا خواهد بود (Gordon 1966: 49).^۲ در

۱. در رابطه با مطالعه برخی ویژگی‌های خاص کالای اطلاعات محور ← انصاری و انصاری ۱۳۹۱: ۴.

2. A distinction must be drawn between an **assignment of a chose in action** (a patent or the benefit of a contract relating to a patent) and a **contract for the sale of an article** (the physical embodiment covered by a patent)

حقیقت، این تفکیک بر تفاوت بنیادین موضوع دو قرارداد اشاره دارد و آن اینکه در گواهی اختراع از آنجا که دانش مربوط اصولاً امکان تولید کالا در آینده را به فرد می‌دهد اصولاً بدل مشخص آن به طور قطعی بسیار دشوارتر از فرضی است که در کالای مادی مال مورد نظر به شخص ثالث با حسن نیت منتقل شده است.

نتیجه

دکترین حقوق مالکیت فکری در تبیین وضعیت حقوقی قرارداد لیسانس فضولی سه دیدگاه را مطرح کرده است. دیدگاه نخست با تمسک به تحلیل مبتنی بر حقوق انحصاری وضعیت بطلان را پیشنهاد داده است. ایراد اساسی که به این نظر وارد است عدم توجه به ریسک و خطرات فراوانی است که در حوزه حقوق مالکیت فکری و به خصوص حقوق اختراعات وجود دارد. چون هر زمان امکان عدم تعلق دارایی فکری متصور است و قائل بودن به این دیدگاه باعث خواهد شد بسیاری از قراردادها در این حوزه باطل تلقی شوند. علاوه بر این، برخلاف ادعای مطرح شده، تحمیل چنین وضعیتی برخلاف حقوق انحصاری دارنده است. اما دیدگاه دوم با قیاس دارایی فکری همچون سایر اموال و حقوقی عینی که اشخاص نسبت به آن دارند و همچنین در حوزه اختراعات با استناد به بند «الف» ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری وضعیت عدم نفوذ را مناسب دانسته‌اند. با این حال، دیدگاه یادشده در نظام قراردادهای لیسانس به صورت مطلق قابل پذیرش نیست. زیرا در مواردی که لیسانس‌گیرنده صرفاً اجازه بهره‌برداری از دارایی فکری را دارد لیسانس مجدد از ناحیه مالک هیچ حقی را برای لیسانس‌گیرنده ایجاد نمی‌کند. اما در مواردی که لیسانس به طور انحصاری به شخصی داده شده طبیعتاً لیسانس مجدد موجب فضولی شدن و عدم نفوذ آن می‌شود.

برخی دیگر با دلایلی چون مبانی حقوق اختراعات و تحلیل مبتنی بر نظام ثبت اختراع و حسن نیت و تحلیل اقتصادی در صدد اثبات وضعیت صحت قرارداد هستند. اما مشخص شد دلایل استنادی نیز قابل نقد و خدشه است. زیرا نظریات مختلف توجیهی که در خصوص نظام اختراعات مطرح شده قابل انتقاد است و صرفاً نظریه رقابت در گواهی اختراع مصون از نقد مانده است. در نتیجه با پذیرش این دیدگاه عدم نفوذ معاملات هیچ‌گونه منافاتی با مبانی حقوقی اختراعات

نخواهد داشت. اما در رابطه با دلیل دوم قیاس ماده ۲۴ قانون ثبت اسناد با نظام ثبت اختراعات اخص از مدعی است. زیرا این ماده اصولاً ناظر به فرضی است که هیچ‌گونه سابقه ثبتی نسبت به ملکی وجود نداشته باشد؛ درحالی‌که فرض اصلی در نظام اختراعات وجود ثبت اختراع به نام شخص معین است. و در نهایت حسن نیت و تحلیل اقتصادی نیز نمی‌تواند اثبات کند صحت قرارداد لیسانس فضولی باشد. زیرا از حیث تحلیل یادشده صحت قراردادها خود موجب تحمیل هزینه‌های اضافی به لیسانس‌دهنده خواهد شد و ثانیاً از دیدگاه تفاوت ماهیت موضوع قرارداد قیاس نظام کالا و اطلاعات محور صحیح نیست.

منابع

- آزادبیگی، سمیه (۱۳۹۱). «قراردادهای نشر در حقوق ایران»، حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، صص ۷۷ - ۱۰۸.
- امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق مالکیت صنعتی، تهران، میزان.
- امینی، منصور؛ مرتضی بهادر (۱۳۹۶). «قلمرو حمایت از خریدهای با حسن نیت در نظام حقوقی انگلیس، فرانسه و آلمان»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۲۱، ش ۴، صص ۱ - ۲۸.
- انصاری، باقر؛ اسماعیل انصاری (۱۳۹۱). «حقوق اطلاعات از منظر تحلیل اقتصادی»، مطالعات حقوق تطبیقی، د ۳، ش ۲، صص ۱ - ۲۱.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۶). کلیات عقود و قراردادها، ج ۲، تهران، میزان.
- جعفرزاده، میرقاسم؛ عباس عباس تبار فیروزجاه (۱۳۹۴). «ابطال گواهی‌نامه اختراع و تعهد به استرداد عوضین در قراردادهای انتقال حق اختراع»، ویژه‌نامه شماره ۱۶ مجله تحقیقات حقوقی، صص ۲۳۹ - ۲۷۰.
- جعفرزاده، میرقاسم؛ ابراهیم رهبری (۱۳۹۱). «قواعد انحلال قرارداد لیسانس فناوری»، تحقیقات حقوقی، د ۱۵، ویژه‌نامه شماره ۸، شماره پیاپی ۱، صص ۴۱ - ۸۲.
- جعفرزاده، میرقاسم؛ علی ساعتچی (۱۳۹۹). «تحلیل حقوق قراردادی انتظارات تجاری در قرارداد لیسانس اختراع»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، د ۲۵، ش ۹۰، صص ۱۶۹ - ۱۸۴.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری، ج ۲، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰). فلسفه مالکیت فکری، تهران، میزان.
- ساعتچی، علی (۱۳۹۹). «تحلیل و ارزیابی تضمین اعتبار اختراع در قرارداد لیسانس»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۱۷، صص ۲۵ - ۴۴.
- شمس، عبدالحمید (۱۳۸۲). حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، سمت.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). حقوق قراردادها، سمت.
- صابری، روح‌الله (۱۳۸۷). قراردادهای لیسانس، تهران، شهر دانش.
- صادقی، محمود؛ مهدی امینی (۱۳۹۱). «موجبات و آثار ابطال گواهی‌نامه حق اختراع»، مطالعات حقوق

- تطبیقی، د ۳، ش ۱، صص ۵۵ - ۷۲.
- صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۸). *حق اختراع (نگرش تطبیقی)*، شرکت سهامی انتشار.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۵). *اشخاص و اموال*، چ ۵، تهران، میزان.
- عباس تبار فیروزجاه، مجید (۱۳۹۴). «تأثیر ابطال گواهی اختراع بر وضعیت قراردادهای انتقال فناوری»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- عباسی، سیمین (۱۳۹۱). *مدیریت حقوق مالکیت فکری*، تهران، جنگل
- قبولی درافشان، سید محمدهادی؛ مصطفی بختیاروند؛ محمدتقی نادى (۱۴۰۰). *عقود معین ۱*، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *اموال و مالکیت*، چ ۱۷، تهران، میزان.
- _____ (۱۳۸۷). *حقوق مدنی عقود معین*، چ ۱۰، شرکت سهامی انتشار، ج ۱.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۳). *حقوق قراردادهای انتقال فناوری*، تهران، جاودانه.
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۷). *حقوق اختراعات*، تهران، میزان.
- _____ (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت فکری*، تهران، میزان.
- میرشمسی، محمدهادی؛ امیر ناظری (۱۳۹۸). «تأثیر ابطال گواهینامه ثبت اختراع بر قراردادها با لحاظ ضرورت‌های حقوق اختراع»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ش ۹۰، صص ۵۰ - ۸۴.

References

- Abbas-Tabar Firoozjah, M. (2015). "The effect of patent revocation on the status of technology transfer contracts", PhD thesis, Shahid Beheshti University of Tehran. (in Persian)
- Abbasi, S. (2012). *Management of Intellectual Property Rights*, Tehran, Jangal Publications. (in Persian)
- Allison & Mark A. Lemley (2000). *Who's Patenting What? An Empirical Exploration of Patent Prosecution*, 53 Vanda. L. Rev.
- Amini, M. & Bahador, M. (2017). "The Realm of Supporting Goodfaith Purchases in the Legal System of England, France and Germany", *Comparative Law Research*, Vol. 21, No. 4. pp. 1-28. (in Persian)
- Ansari, B. & Ansari, I. (2012). "Information Law from the Perspective of Economic Analysis", *Journal of Comparative Law Studies*, Vol. 3, No. 2, pp. 1-21. (in Persian)
- Azadbeigi, S. (2012). "Publication contracts in Iranian law Quarterly", *Journal of Medical Law Special Issue of Intellectual Property Law*, pp. 77-108. (in Persian)
- Bahrami Ahmadi, H. (2007). *General Contracts*, second edition, Mizan Publications. (in Persian)

- Persian)
- Braucher Jean, contracting out of article 2 using a "license" label: a strategy that should not work for software products, *Loyola of los Angeles law review* [vol. 40:26, 2006.
- Devlin, A. (2010). *The Misunderstood Function Of Disclosure in Patent Law*, 23 Harv. J.L. & Tech.
- Dratler, J. (2007). "Licensing of Intellectual Property", *Law Journal Press*, a division of 3 American Lawyer Media, Inc., New York.
- Duffy, J. F. (2004). *Rethinking the Prospect Theory of Patents*, 71 U. CHI. L. REV.
- Eisenberg, Rebecca S. (1989). *Patents and the Progress of Science: Exclusive Rights and Experimental Use*, 56 U. Chi. L. Rev.
- Emami, A. (2011). *Industrial Property Law*, Mizan Publishing. (in Persian)
- Ghabooli Darafshan, S. M.H., Bakhtiarvand, M., & Nadi, M.T. (2021). *Definite Contracts 1*, Ferdowsi University Press. (in Persian)
- Gomulkiewicz, Robert W. (2018). "Is the license still the product?", *Arizona law review*, Vol. 60, p. 425.
- Gordon, f. H. (1966). Problems involved in the assignment of patents and patent rights, A paper delivered to the 40th Annual Meeting of the Patent and Trademark Institute of Canada on September 30., Printed by permission of the Honorary Secretary-Treasurer.
- Hekmatnia, M. (2008). *Fundamentals of Intellectual Property*, Second edition, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
- Jafarzadeh, M.G. & Abbas-Tabar Firooz-Jah, A. (2015). "Revocation of Patent Certificate and Commitment to Return of Awadin in Patent Transfer Contracts", *Special Issue No. 16 Journal of Legal Research*, pp. 239- 270. (in Persian)
- Jafarzadeh, M.G. & Rahbari, E. (2012). "Rules for Dissolution of the Bachelor of Technology Contract", *Legal Research Quarterly*, Vol. 15, Special Issue No. 8, Consecutive Issue 1, pp. 41-82. (in Persian)
- Jafarzadeh, M.G. & Saatchi, A. (2021). "Analysis of Contract Law Commercial Expectations in the Patent License Agreement", *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, Vol. 25, No. 90, pp. 169-184. (in Persian)
- Katozian, N. (2007). *Property and Ownership*, Mizan Publishing. (in Persian)
- (2008). *Civil Law of Certain Contracts*, Anteshar Co., Vol. 1. (in Persian)
- Khidmatgar, M. (2011). *Philosophy of Intellectual Property*, Mizan Publishing. (in Persian)
- Kief, F. Scott & Smith, Henry E. (2009). *How Not to Invent a Patent Crisis*, How Not to Invent a Patent Crisis in REACTING TO THE SPENDING SPREE: POLICY CHANGES WE CAN AFFORD (Terry L. Anderson and Richard Sousa, eds., Hoover Institution Press).
- Kitch, Edmund W. (1977). "The Nature and Function of the Patent System", *the Journal of Law and Economics*, Vol. XX (1).
- Lemley, Mark. A. (2012). *The Myth of the Sole Inventor*, Michigan Law Review, Vol. 110, 709.
- Lichtman, D. (2005). *Substitutes for the Doctrine of Equivalents: A Response to Maurer and Nard*, 93 Geo. L.J. n.42.
- Mir-Hosseini, S. H. (2018). *Introduction to Intellectual Property Rights*, Mizan

Publications.

- (2008). *Patents*, Mizan Publishing. (in Persian)
- Mirshamsi, M.H. & Nazeri, A. (2020). "The effect of patent revocation on contracts in terms of the requirements of patent law Business", *Research Journal*, No. 90, pp. 84-50. (in Persian)
- Munktell, P. (2004). "Compulsory Patent Licensing: A minor case study", Master thesis, Faculty of law university of lund.
- Nimmer, R. T. & Dodd, Jeff C. (2011). *Modern Licensing law*, Vol. 2, West a Thomson Reuters business.
- Oddi, S. (1996). *Un-Unified Economic Theories of Patents*, The Not-Quite-Holy Grail, 71 NOTRE DAME L. REV. 267, 275-7.
- Rice, James M. (2015). "The Defensive Patent Playbook", *Berkeley Technology Law Journal*, Vol. 30, Issue 4, Annual Review 2015 Article 9 11-29.
- Saatchi, A. (2021). "Analysis and Evaluation of warranty in patent license", *Encyclopedia of Economic Law Spring and Summer*, No. 17, pp. 25-44.
- Saberi, R. (2008). *Bachelor's degree contracts*, Tehran, Shahr-e-Danesh Publications. (in Persian)
- Sadeghi, M. & Amini, M. (2012). "Causes and Effects of Patent License Revocation", *Journal of Comparative Law Studies*, Vol. 3, No 1, pp. 55-72. (in Persian)
- Safaei, S. H. (2006). *Persons and Property*, Mizan Publishin, (in Persian)
- Salehi Zahabi, J. (2009). *Patent (Comparative Attitude)* Publishing Co. (in Persian)
- Shams, A. (2003). *Property Rights on Trademarks and Industrial Trademarks*, Samt Publication. (in Persian)
- Shiravi, A.H. (2018). *Contract Law*, Samt Publications. (in Persian)
- Singleton, S. (2005) IP as conflict resolution: a micro view of IP, San Diego law review, vole, 42 issue
- Stijepko, T. (2017). *The Interplay Between User Innovation, The Patent System And Product Liability Laws: Policy Implications*, 99 J. Pat. & Trademark Off. Soc'y 20, 46.
- Walton Hamilton; Irene Till (1948). *What Is a Patent*, 13 Law & Contemp. Probs. 245.
- Winston, E. (2006). *Why Sell What You Can License Contracting around Statutory Protection of Intellectual Property*, 14 Geo. Mason L. Rev. 93 University of Washington Law Library.